

## گفتمان چپ اولیه در ایران: اندیشه‌های جهانی در بستر ایرانی

علیرضا تاجداری \*

حسن سرایی \*\*

### چکیده

این مقاله به بررسی محتوا و ویژگی‌های اصلی گفتمان چپ در متون گروه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی اولیه، مثل اجتماعيون عاميون و حزب دمکرات ایران در انقلاب مشروطه، می‌پردازد تا مشخص شود عناصر اصلی مورد تأکید در این گفتمان، کدامند. مقاله حاضر رویکردی را پیشنهاد می‌کند که طبق آن توجه به تعامل عناصر درونی و بیرونی، به ویژه ادغام و ترکیب آن‌ها، جهت فهم جامعه ایران اساسی تلقی می‌شود. طبق این رویکرد برای شناخت جامعه ایران لازم است به تعامل عناصر درونی و بیرونی در سطح جوامع تأثیرپذیری همچون ایران توجه شود. برای فهم گفتمان چپ اولیه از این رویکرد استفاده شده است. با استنتاج از این رویکرد، می‌توان گفت به احتمال زیاد گفتمان چپ اولیه ترکیبی از عناصر درونی و بیرونی (ایرانی و جهانی) است. گفتمان چپ، اساساً از خارج وارد ایران شد و کالایی وارداتی محسوب می‌شود، اما این اندیشه و گفتمان پس از ورود به ایران در تعامل با عناصر محلی و ایرانی قرار گرفته و به صورت پدیده‌ای تحول‌یافته و دورگه

\* نویسنده مسئول: دکترای جامعه‌شناسی و استادیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
artajdari@yahoo.com

\*\* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی  
hsaraie@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۵

در ایران ظاهر شد.

**کلید واژه‌ها:** گفتمان چپ اولیه، دورگه‌ای شدن، جوامع تأثیرپذیر و تأثیرگذار.

### مقدمه

اگر چه در ایران معاصر ایدئولوژی چپ هیچ‌گاه به صورت یک نظام حکومتی در نیامد اما اغلب یکی از نیروهای اصلی مقاومت و مخالفت در برابر نظام‌های حاکم بود. اندیشه چپ به طور تقریبی از دوره مشروطه به ایران وارد شد و شروع به رشد کرد. بنابراین، شناخت گفتمان چپ در دوره اولیه نفوذ ایده‌های سوسیالیستی و مارکسیستی به ایران می‌تواند به شناخت تحولات بعدی آن کمک کند. به این منظور، در این مقاله گفتمان چپ، آن گونه که در گفته‌ها و نوشته‌های جریان‌ها یا گروه‌های چپ در آستانه مشروطیت انعکاس یافته است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مسئله مورد نظر مقاله حاضر این است که اندیشه‌های اصلی گفتمان چپ اولیه چگونه به ایران وارد شدند و تحت تأثیر شرایط ایران و انقلاب مشروطه چه ویژگی‌هایی پیدا کردند؟

### رویکرد نظری

نظریه‌های معطوف به جوامع غربی یا صنعتی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول نظریه‌هایی هستند که وضعیت مدرن یا صنعتی در جوامع غربی را مد نظر دارند. این نظریه‌ها نمی‌توانند در جوامعی که هنوز مدرن، صنعتی و سرمایه‌داری نشده‌اند، صادق باشند. دسته دوم نظریه‌هایی هستند که به دوره‌های پیش از سرمایه‌داری یا صنعتی شدن در جوامع غربی می‌پردازند.<sup>۱</sup> اگر چه برخی اعتقاد داشتند وضع جوامع غربی پیشاسرمایه‌داری قابل مقایسه با وضعیت دیروز و امروز جوامع پیرامونی است - یعنی می‌توان با استفاده از تئوری‌های معطوف به دوره پیشاسرمایه‌داری در غرب، وضعیت جوامع غیر غربی را تبیین کرد - اما به نظر می‌رسد هر یک از این جوامع سرگذشت و سرنوشت منحصر به فردی داشته و دارند و این دسته از نظریه‌ها نمی‌توانند دوره معاصر جوامع غیر غربی و حتی دوره‌های پیش از آن را، چنان‌که باید و شاید توضیح دهند. نظریه‌های دسته سوم آن‌هایی هستند که موضوع تحلیلشان، دوره گذار جوامع غربی از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن است. جامعه‌شناسان کلاسیک مثل دورکیم، زیمل، وبر، مارکس و تونیس به جامعه در حال گذار غربی پرداخته‌اند و از

جمله نظریه‌پردازان تحول از نظم قدیم به نظم جدید محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup> برای شناخت جوامع غیر غربی نیز تلاش‌های نظری جداگانه‌ای انجام شده است. نظریه‌های ارائه شده در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: نظریه‌های معطوف به دوره‌های گذشته این جوامع و نظریه‌هایی که دوره معاصر را تبیین می‌کنند. نظریه‌های دسته اول، شامل نظریه‌هایی مثل استبداد شرقی، شیوه تولید آسیایی، نظریه جوامع آب‌محور، نظریه پاتریمونالیسم و غیره، بیشتر برای توضیح دوره‌های تاریخی قرون گذشته به کار می‌آیند و قادر نیستند تحولات معاصر این جوامع را تبیین کنند. البته برخی اندیشمندان تفاوتی میان گذشته و حال جوامع غیر غربی قائل نیستند و بنابراین، از نظریه‌ای واحد استفاده می‌کنند<sup>۳</sup> بی‌گمان شباهت‌هایی میان وضعیت معاصر و وضعیت گذشته وجود دارد اما تحولاتی که در طی یکی دو قرن اخیر در این جوامع رخ داده است نیز قابل انکار نیست. نظریه‌های دسته دوم یا معطوف به دوره معاصر جوامع پیرامونی مثل ایران (شامل نظریه وابستگی، نظریه مدرنیزاسیون، نظریه نظام جهانی، نظریه جهان سوم، نظریه پست استعماری، نظریه نئوپاتریمونالیسم<sup>۴</sup>، نظریه دولت رانتیر و نفتی و غیره) را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: نظریه‌هایی که بر عوامل و شرایط درونی جامعه نظر دارند و نظریه‌هایی که عوامل و شرایط بیرونی را لحاظ کرده‌اند. مشکل دسته اول، غفلت از نقش و تأثیر عوامل و شرایط بیرونی در تحولات جوامع پیرامونی و ایراد دسته دوم تأکید یک‌جانبه بر عوامل بیرونی و به معنایی تأکید بر رابطه سلطه است.

با توجه به نظریه‌های فوق‌الذکر معلوم می‌شود بی‌توجهی به هر یک از عناصر درونی یا بیرونی، منجر به شناختی تک‌بعدی از جامعه ایران می‌شود. رویکرد این مقاله توجه هم‌زمان به عناصر درونی و بیرونی، به ویژه ترکیب و پیوند آن‌ها با یکدیگر است. جهت رعایت اختصار می‌توان از مفهوم «دورگه‌ای شدن» برای اشاره به ترکیب و تلفیق عناصر درونی و بیرونی استفاده کرد.<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد با استفاده از این رویکرد بتوان شناختی از گفتمان چپ در ایران پیدا کرد. گفتمان چپ، در اروپا و به صورت درون‌زا شکل گرفت و در دوره اولیه بیشتر به واسطه روسیه به ایران رسید. گفتمان چپی که در ایران شکل گرفت و رشد کرد ریشه در خارج از ایران داشت و در گام اول، پدیده‌ای برون‌زا محسوب می‌شود. بنابراین، برای تحلیل چنین پدیده‌هایی در ایران و جوامع مشابه باید تأثیرهای بیرونی را در نظر گرفت. اما آنچه از بیرون وارد یک جامعه می‌شود، دست‌نخورده باقی نمی‌ماند. عوامل و شرایط درونی نیز بر آن اثر

می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهند. گفتمان چپ هم در ایران تحت تأثیر عوامل درونی قرار گرفت و ویژگی‌های دیگری پیدا کرد. خلاصه اینکه، از نگاهی جامعه‌شناختی، تأکید یک‌جانبه بر عاملیت استعمار و جهانی شدن در تبیین جوامعی مثل ایران ناقص خواهد بود. به قول سرایی:

... یک توانایی در هر محل، نظیر ایران، وجود دارد که از میان عوامل و تأثیرات بیرونی، بعضی را گزینش کند، به طور موقت بیازماید و در نهایت، درونی یا رد کند. در این صورت، تغییرات دهه‌های اخیر در ایران ... همان قدر که تحمیل شده از خارج است انتخاب شده و ایجاد شده در داخل نیز هست (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۰).

در حالت‌های عادی هم تأثیرپذیری و تأثیرگذاری همواره میان تمدن‌ها و جوامع وجود داشته و یکی از عوامل عمده تغییر و تحول اجتماعی بوده است<sup>۱</sup>، اما مواجهه با جهان مدرن، به علت ماهیت مدرنیته و تحولات ناشی از آن، بسیار عمیق‌تر و تأثیرگذارتر بوده است. اگر چه آغاز مدرنیته در غرب و آشنایی ایرانیان با آن حداقل به دوره صفویه باز می‌گردد<sup>۲</sup>، ولی اغلب اندیشمندان، آغاز روبه‌رویی جدی، شدید و عمیق با غرب و مدرنیته را به دوره قاجار و شکست ایران از روسیه و امضای دو معاهده تحقیرآمیز گلستان و ترکمانچای، نسبت می‌دهند. در دو قرن گذشته، جامعه ایران بیشتر جامعه‌ای تأثیرپذیر بوده و به جوامع غربی، به عنوان جوامع تأثیرگذار، چشم داشته است<sup>۳</sup>.

جامعه جدید ایران، حاصل تأثیرپذیری ایران از غرب و دنیای مدرن بوده است. این روبه‌رویی آن‌چنان مهم و تأثیرگذار بوده که جامعه ایران را به مسیری متفاوت از آنچه در طی قرن‌ها پیموده، کشانده است. روبه‌رویی با غرب یا دنیای مدرن، هیچ است به علت شدت و عمق تحولات ایجاد شده، آن‌چنان مهم و تعیین‌کننده بوده است که شناخت جامعه معاصر ایران بدون توجه به آن، شناختی ناقص و حتی گمراه‌کننده به نظر می‌رسد. در جریان روبه‌رویی با غرب، ایده‌های مدرن به همراه اشیاء و مظاهر مدرنی مثل معماری، شهرسازی، نهادهای اجتماعی و کارخانه و حتی مدل‌های آرایش، پوشش و خوراک و غیره، سریع و پر قدرت وارد جامعه شدند و چهره آن را دگرگون کردند، به نحوی که ظاهراً هیچ شباهتی با گذشته خود نداشت. اما در حقیقت جوامعی مثل ایران، هرگز کاملاً شبیه جوامع مدرن و کاملاً متفاوت با گذشته خود نشدند. آن‌ها به طور هم‌زمان، هم عناصری از گذشته خود را حفظ کردند و هم عناصر جدیدی که

از بیرون آمده بود، جذب کردند.

عناصر بیرونی - از قبیل ایده‌ها، ارزش‌ها، نهادهای اجتماعی و حتی ابزارها و فنون و غیره- چیزهایی هستند که از خارج و به ویژه از جوامع تأثیرگذار، به روش‌ها و وسایل مختلف، وارد یک جامعه تأثیرپذیر می‌شوند. عناصر درونی نیز آن چیزهایی است که در جامعه تأثیرپذیر ایران وجود دارد. عناصر درونی می‌توانند هم بازمانده‌های دوره پیش از تأثیرپذیری باشند و هم عناصری که در دوره‌های بعدی از خارج آمده‌اند، اما به مرور زمان در جامعه، پذیرفته شده و تبدیل به عناصری درونی شده‌اند. یک عنصر وارد شده مربوط به دوره‌های آغازین روبه‌رویی با غرب، در مقایسه با عنصری جدیدتر که بعد از آن وارد جامعه تأثیرپذیر می‌شود، عنصری درونی محسوب می‌شود. به تعبیری می‌توان گفت درونی یا بیرونی بودن عناصر در نسبت با یکدیگر تعیین می‌شود.

تلفیق عناصر درونی و بیرونی در سطوح مختلف رخ می‌دهد؛ از عناصر درونی و بیرونی خرد و جزئی مثل لباس تا تعامل دو عنصر درونی و بیرونی در سطوح کلان‌تر مانند تعامل دو ایدئولوژی یا دو نوع سیستم اقتصادی و سیاسی. به این ترتیب، عناصر درونی و بیرونی در ظرف جامعه تأثیرپذیر با یکدیگر ادغام می‌شوند و ترکیب جدیدی شکل می‌گیرد که خواص مخصوص به خود را دارد. در این حالت، دو عنصر با یکدیگر ادغام شده و به صورت اجزای یک عنصر سوم، ظاهر می‌شوند که می‌توان آن را دورگه نامید. عنصر دورگه دو جزء دارد؛ البته اجزایی که با هم یک واحد را تشکیل می‌دهند، مثل قالب و محتوا، صورت و معنا، ساختار و کارکرد.

### روش تحقیق

مفهوم گفتمان از مفاهیم به نسبت جدید و متأخر در علوم اجتماعی است و بنابراین، گاهی بر سر معنای آن، عدم توافق مشاهده می‌شود. همان‌طور که ون دایک (Van Dijk) می‌گوید، امروزه گفتمان حداقل در دو معنا، که البته بی ارتباط با یکدیگر هم نیستند، به کار می‌رود: هم به معنای مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و فلسفه‌ها و هم به معنای محصولات یا کاربردهای زبان (ون دایک، ۱۶:۱۳۸۲). معنای اول، گفتمان را به ایدئولوژی نزدیک می‌کند و در معنای دوم، گفتمان می‌تواند تا سطح یک متن دستوری کاهش یابد.

بر این اساس، در این مقاله، گفتمان مجموعه‌ای از گفته‌ها و نوشته‌ها است که همه حول یک موضوع واحد، سامان یافته‌اند. این موضوع واحد، در گفتمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک، معمولاً یک یا چند ارزش یا عناصر دیگری مثل آرمان‌ها، ایده‌ها، باورها، نگرش‌ها، آموزه‌ها، دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و غیره است (ایگلتون، ۱۳۸۱). گفتمان چپ اولیه، مجموعه‌ای از گفته‌ها و نوشته‌ها است که به طور تقریبی در سال‌های پیش و پس از انقلاب مشروطه، توسط افراد و گروه‌های منسوب به جریان‌ها و ایده‌های مارکسیستی، سوسیالیستی و کمونیستی تولید شده‌اند.<sup>۹</sup> گفته‌ها و نوشته‌های این گروه‌ها و افراد، شامل اساس‌نامه‌ها، مرام‌نامه‌ها، بیانیه‌ها، برنامه‌ها، نظام‌نامه‌ها، صورت‌جلسه‌ها، مذاکره‌های پارلمانی، شب‌نامه‌ها، روزنامه‌ها، مقالات و خاطرات اعضای آن گروه‌ها و غیره است که در این مقاله تنها برخی از آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

## داده‌ها و یافته‌ها

### گفتمان چپ اولیه: ایده‌های جهانی در بستری ایرانی

گفتمان چپ در ایران در دوره مشروطه شکل گرفت. بنابراین، فهم آن بدون شناخت انقلاب مشروطه ناقص است، همان‌طور که دقت در منشأ روسی ایده‌های چپ وارد شده به ایران، می‌تواند تحولات بعدی سازمان‌ها و جریان‌های چپ و تسلط رژیم شوروی بر آن‌ها را قابل فهم کند. در طی روبه‌رویی با غرب، یکی از مهم‌ترین فرایندهای تأثیرپذیری، جریان ورود و پذیرش ایده‌ها و اندیشه‌های مدرن بود. ایده‌هایی مثل انقلاب، دموکراسی، پیشرفت و ترقی، قانون، مشروطه و پارلمان و غیره از طریق تحصیل‌کردگان و آشنایان با فرهنگ و فلسفه غرب که منورالفکر یا روشنفکر نامیده می‌شدند، وارد جامعه ایران و منشأ تحولات عمده‌ای شدند. انقلاب مشروطه حاصل چنین فضایی بود. اهداف و ایده‌هایی که این مردم و روشنفکران هدایت‌کننده آن‌ها در سر داشتند، به نحوی نتیجه و حاصل فرایند تأثیرپذیری از خارج بود. روشنفکران و تحصیل‌کردگان در پی پیاده‌سازی و به‌کارگیری ایده‌های ترقی، قانون و دموکراسی بودند که تقریباً هیچ سابقه‌ای در دوره پیش از تأثیرپذیری جامعه ایران نداشتند و برگرفته از فرهنگ و جامعه غربی بودند. انقلاب مشروطه از یک طرف هواداری از برخی عناصر فرهنگی و سیاسی غرب بود و از طرف دیگر، مقاومت در برابر برخی عناصر اقتصادی و استعماری غرب. گروه‌هایی متمایل به حذف برخی

عناصر ایرانی و بومی که مانع ترقی محسوب می‌شدند، بودند و گروه‌هایی گرایش به حفظ عناصر ایرانی که مفید به نظر می‌رسید، داشتند. نیروهای انقلابی، هدف حمله خود را دولت قرار دادند که از یک طرف ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی غربی، که مطلوبشان بود نداشت و از طرف دیگر، آن را عامل و واسطه سلطه اقتصادی و استعماری غرب می‌دانستند.

در این مقاله، متون اولین گروه‌های چپ در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. ابتدا نوشته‌ای که در روزنامه اختر چاپ شده و اولین متن فارسی است که به سوسیالیسم پرداخته و آن را معرفی کرده است، تحلیل خواهد شد. سپس نوبت به برنامه‌ها و مرام‌نامه‌های «فرقه اجتماعیون عامیون» می‌رسد که از اولین گروه‌های مارکسیستی در ایران بود که اندیشه‌های چپ را در ایران مطرح کرد. علاوه بر این، مکاتبات گروه‌های سوسیال دمکرات تبریز و گیلان با مارکسیست‌های غربی هم به طور مختصر، مرور خواهد شد. در پایان، مرام‌نامه و روزنامه «حزب دمکرات ایران» تحلیل خواهد شد.

### اولین متون سوسیالیستی به زبان فارسی

شناخت چگونگی آشنایی ایرانیان با مارکسیسم و سوسیالیسم و ظهور اولین نوشته‌ها و گفته‌ها در این حوزه، می‌تواند به فهم دقیق‌تر جریان چپ در ایران کمک کند. تا آنجا که مشخص است، اولین دانشجویان ایرانی اعزامی به اروپا پس از بازگشت به ایران چیزی درباره مارکسیسم ننوشتند یا کتابی در این حوزه، ترجمه نکردند. از میان روشنفکران شاخص دوره قاجار هم کسی معروف به آشنایی و دلبستگی به ایده‌های چپ یا به عنوان مروج آن‌ها شناخته نشده است.<sup>۱</sup> اولین متن فارسی که در آن از سوسیالیسم و کمونیسم سخن گفته شده است، مقاله‌ای است که در روزنامه اختر چاپ استانبول درج شده است.<sup>۲</sup> نکته مهم این است که اولین متن فارسی در این حوزه، نقد سوسیالیسم است و نه معرفی یا تبلیغ آن. اگر فرض کنیم این مقاله، مخاطبی داشته باید گفت اندیشه چپ در ایران، آغاز چندان مطلوبی نداشته است. این مقاله توصیفی انتقادی از کمون پاریس (۱۸۷۱) است و با دیدی منفی به عقاید سوسیالیستی و کمونیستی نگاه کرده است. این مقاله سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها را نیهیلیست خوانده و هدفشان را اشتراکی کردن اموال اغنیا بالسویه در میان مردم دانسته است.

نویسنده مقاله برای توضیح مقصود خود و شاید تسهیل در ایجاد نگرش منفی به سوسیالیسم در میان مردم ایران، آنان را مروج مذهب اباحه و اشتراک اموال معرفی و با نمونه‌های ایرانی مقایسه کرده است و می‌نویسد:

... در اواخر حکومت ضحاک آخش نام حکیم نیز اختراع چنین مذهبی نموده است. آخش وطی با مادر و دختر و خواهر را نیز مباح می‌دانسته است... در زمان اسلام هم اول طایفه که سالک راه ناصواب شدند قرامطه بودند... (که) اصل مقصدشان همان اباحه و اشتراک اموال و زنان بوده است... طایفه دیگری که سالک این راه باطل گشته ملاحظه اسماعیلیه بودند که پیشوای ایشان حسن صباح است... حکم دار سوم اسماعیلیان... سالک طریقه الحاد شده ترک جمیع تکالیف شرعی و ترویج مذهب اباحه را التزام نموده... (آگاهی ب، ۱۳۵۷: ۸).

نویسنده در ادامه می‌گوید که لشکر مغول، اسماعیلیه را نابود کردند و ملاحظه را از عالم برانداختند «تا اینکه هشت نه سال پیش از این اعتقاد به کمال شدت در فرنگستان بروز کرد و اصحاب آن دولت فرانسه را بسیار پریشان نمودند» (آگاهی ب، ۱۳۵۷). سپس اضافه می‌کند که عملی کردن مقاصد آن‌ها در کمال اشکال و از محالات است و مستلزم ریختن دریا دریا خون‌ها است و بنابراین «رؤسای با هوش و فرهنگ این طوایف هنوز فتوا نمی‌دهند که اقدام به اجرای کلیات مقاصد کرده شود». توجه شود که چگونه نویسنده، سوسیالیست‌ها را طایفه و رهبران‌شان را رؤسایی که فتوا می‌دهند، معرفی می‌کند. البته توضیح می‌دهد که ظهور جدید مرام اشتراکی در فرنگستان به طور کامل شبیه طوایف مذکور نیست و برای جلوگیری از ایجاد نگرش منفی نسبت به اروپایی‌ها اضافه می‌کند که «اهل اروپا مردمانی هستند با نظم و قاعده و کسان بزرگ با عقل و فرهنگ میان ایشان بسیار است» (آگاهی ب، ۱۳۵۷: ۹).

### برنامه‌ها، مرام‌نامه‌ها و بیانیه‌های فرقه اجتماعیون عامیون

سال‌ها پس از انتشار این مقاله، با تشکیل اولین گروه‌های چپ در ایران، اولین مرام‌نامه‌ها و برنامه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی در ایران منتشر می‌شود. نکته مهم این است که در این دوره ورود اندیشه‌های چپ در ایران نه از طریق روشنفکران و اندیشمندان منفرد بلکه به واسطه سازمان‌های چپ صورت گرفته است. به همین علت، اولین متون سوسیالیستی به زبان فارسی بیشتر برنامه‌های حزبی و سازمانی هستند تا مباحث نظری. اولین نوشته‌های این حوزه به «فرقه اجتماعیون عامیون» تعلق دارند.



شکل‌گیری این گروه در ارتباط با «کمیته باکوی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه» و «حزب همت باکو» بود. «فرقه اجتماعیون عامیون» ریشه در «همت» داشت که در خارج از ایران شکل گرفته بود. تحت تأثیر «کمیته باکوی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه» و البته در نتیجه تلاش فردی برخی از افراد عضو یا نزدیک به این کمیته، سازمان همت در ۱۲۸۳ برای انجام فعالیت تبلیغی در میان کارگران مسلمان در قفقاز تشکیل شد. در سال ۱۲۸۴ (۱۹۰۵) دو نفر از رهبران همت، نریمان نریمانوف و محمد امین رسول‌زاده، حزب اجتماعیون عامیون باکو را در بین ایرانیان باکو تأسیس کردند. اجتماعیون عامیون در لغت به معنای سوسیال دمکرات بود و این حزب گاهی مجاهد هم خوانده می‌شده است (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۰). اگر چه اسناد و مدارک دقیقی از زمان و چگونگی پیدایش اجتماعیون عامیون در ایران و رابطه آن با خارج وجود ندارد، اما بر اساس برخی اسناد پراکنده در این مورد حدس‌هایی زده می‌شود. به نظر شاکری ظهور روزنامه‌های «مجاهد» در پاییز ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) در رشت و تبریز نشانگر آن است که فرقه اجتماعیون عامیون (مجاهد) در این زمان در ایران به طور کامل فعال بوده است (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۸۲). این حزب بیشتر در ایالت‌های شمالی ایران گسترش یافت، اما به نظر می‌رسد مرکزیت آن همچنان در قفقاز باقی مانده باشد<sup>۱۲</sup>. مشخص نیست بر اساس کدام ضرورت‌ها این حزب در ایران توسعه یافت، اما با توجه به اینکه فعالان اصلی آن در ایران همان کسانی بودند که در روسیه فعال بودند و فرقه را همراه خود به ایران آورده بودند، می‌توان استنباط کرد که فعالیت آن‌ها در ایران بیشتر ادامه مبارزاتشان در خارج با روسیه تزاری بود. به عبارت دیگر، در این مرحله می‌توان اندیشه‌چپ را به کالایی خارجی تشبیه کرد که توسط خارجی‌ها به ایران آورده شده بود و یا سوغاتی ناخواسته بود که میزبان هیچ شناختی از آن نداشت. در تعبیری دیگر می‌توان مراحل اولیه مبارزه فرقه اجتماعیون عامیون با حکومت قاجار را به عنوان مبارزه با متحدان محلی روسیه در ایران تلقی کرد.

پیش از آشنایی ایرانیان مهاجر قفقاز با اندیشه‌چپ، آگاهی ایرانیان درباره سوسیالیسم اندک بود. پس از آن، اندیشه و ایدئولوژی سوسیالیسم از طریق اجتماعیون عامیون وارد ایران شد. «اجتماعیون» و «عامیون»، معادل‌هایی فارسی بودند که به ترتیب برای واژه‌های «سوسیالیست» و «دمکرات» انتخاب شده و در کنار یکدیگر ترجمه «سوسیال دمکرات» بودند. به نظر شاکری (۱۳۸۴: ۱۷۸) اگر چه برنامه همت نه ادعای

سوسیالیسم داشت و نه هیچ اشاره‌ای به حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه می‌کرد، به نظر می‌رسد انتخاب نام سوسیال دمکرات تحت تأثیر نام حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه صورت گرفته باشد.<sup>۱۳</sup>

برنامه‌ها و مرام‌نامه‌های اجتماعیون عامیون بخشی از گفتمان چپ اولیه در ایران را تشکیل می‌دهند. این فرقه هم‌زمان با انتخابات مجلس اول در حال تهیه یک برنامه بود. دو پیش‌نویس این برنامه به نمایندگان رادیکال آذربایجان در دی ۱۲۸۵ تقدیم شده است. مهم‌ترین خواسته‌های این برنامه شامل محدود شدن اختیارات پادشاه مستبد، انجام انتخابات مجلس بر اساس حق رأی همگانی و واگذاری حق رأی به کارگران، تقسیم املاک بزرگ کشاورزی در میان دهقانان و واگذاری حقوق دمکراتیک به کارگران، نظیر آزادی تشکل و حق اعتصاب، بود.

در سندی دیگر (شاگری، ۱۳۵۷: ۴۱ و ۴۰) مرام‌نامه (به زبان خود سند دستورنامه یا قواعد) کامل‌تری از اجتماعیون عامیون آمده است که سوسیالیستی‌تر است و در باکو چاپ و منتشر شده است. در آن هدف نهایی خود را عدالت و مساوات برای هر مذهب و ملت معرفی کرده است، اما تذکر می‌دهد از آنجا که ملت ما اکنون در وادی جهالت زیون شده‌اند و خیر خود را از شر تمییز نمی‌دهند، یک‌شبه نمی‌توان به این مقصود عالی و درجه اعلا نائل شد و بنابراین باید مطلب را به تدریج اظهار کرد. سپس اقدام‌هایی که امروز لازم است، انجام شود و باید در تدارک آن بود را در ۱۴ ماده بیان می‌دارد: واگذاری ملک و زمین به کسانی که با رنج دست خود می‌کارند و نه کسانی که دیگران برایشان کار می‌کنند، کاهش ساعات کار کارگران (شاگرد، مزدور، فعله و عمله و نوکر از قبیل میرزا و دفتردار و سررشته‌دار) به هشت ساعت، مراقبت دولتی از گروه‌های پایین جامعه مثل بیوه‌زنان و سالخورده‌گان، فقرا، اطفال یتیم و فقیر، کاهش یا سازمان‌دهی مالیات‌ها به نفع بینوایان، تخفیف عوارض گمرکی کالاهایی که فقرا به آن‌ها محتاج هستند، مثل قند و چای و نفت. دستورنامه از اعضای حزب می‌خواهد به اموری مثل کوشش برای تأسیس مدارس برای تربیت اطفال، احترام به خادمان وطن و انزجار از خائنان از هر طبقه که باشند و معطوف کردن کار و رفتار در راستای نیک‌روزی و ترقی وطن متعهد باشند. در ماده ۱۱ دستورنامه ضمن توصیه به حرکت در راستای ترقی وطن، آن را مشروط می‌کند به اینکه «به شرف و قدس مذهب، خللی وارد نیاید» (شاگری، ۱۳۵۷: ۴۳). در ماده ۹، فعالان حزبی را مبارزان راه آزادی دانسته

و هر کس را که در این راه کشته شود، شهید نامیده است.

برنامه دیگری نیز وجود دارد که عنوان «مرام‌نامه جمعیت مجاهدین» را دارد و به برنامه مشهد (۱۳۸۶) معروف است. در این برنامه مشاهده می‌شود که خواسته‌های فرقه به تدریج و متناسب با شرایط ایران تعدیل شده است<sup>۴</sup>. در همین راستا، در پایان تذکر می‌دهد که این بیانی تقریبی از مقاصد حزب است و «به خواست خدا در آینده بر حسب اقتضای زمان و موقعی که ملت ایران بیدار شد، مواد چندی بر آن افزوده خواهد گشت». در شهریور ۱۳۸۶ که این مرام‌نامه در مشهد نوشته شد، فرمان مشروطیت صادر و مجلس تشکیل شده بود. بنابراین، محتوای مرام‌نامه تحت تأثیر فضای سیاسی مشروطه شکل گرفته است. هر جایی که به عدالت اشاره کرده در کنارش مجلس یا مشروطیت را هم آورده است. به طور مثال، در این برنامه، مجاهد را کسی توصیف می‌کند که از فدا کردن خود در راه دفاع از مجلس و بسط عدالت دریغ نکند (شاکری، ۱۳۵۷: ۴۵). در این متن وجود خود را که جمعیت مقدس مجاهدین نامیده، در ایران به منزله قسمتی از مشروطیت، لازم و واجب دانسته است. علاوه بر این، در اعلام مقاصد خود، ۵ ماده را به مسائل روز مشروطه مثل موجودیت مجلس، حق رأی عمومی، انتخاب وکلا و نحوه تقسیم کرسی‌ها و مسئولیت وزرا در مقابل مجلس، اختصاص داده است.

در حالی که در مرام‌نامه باکو بیشتر به عدالت و رسیدگی به افشار پایین توجه شده است در برنامه مشهد بر آزادی‌های هفت‌گانه تأکید زیادی شده است. این آزادی‌ها از این قرارند: آزادی قلم و مطبوعات طبق قانون مجلس، آزادی نطق درباره خیانت حکم‌داران و مستبدین، آزادی مجامع (تجمع در محلی برای کمک به رونق وضع مملکت و ملت)، آزادی بیان نظر درباره امور سیاسی و مقاصد ملت و دولت، آزادی شخصیت (عدم تعرض دولت به افراد و ورود به منزل کسی بدون حکم عدلیه)، آزادی تشکیل جمعیت و یا اجتماع و آزادی اعتصابات. علاوه بر این، به تعلیمات اجباری و مجانی بدون فرق از حیث طبقه و موقعیت هم اشاره شده است. مرام‌نامه باکو و مشهد از لحاظ ایده‌های عدالت‌خواهانه هم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند: در برنامه مشهد، نسبت به برنامه باکو، این اعتقاد که زمین باید به کسانی که روی آن کار می‌کنند تعلق داشته باشد، تعدیل شده است و خواستار مصادره املاک شاهی و خرید اراضی زائد ملاکین توسط بانک و تقسیم بلاعوض آن‌ها در بین دهقانان می‌شود. در برنامه مشهد

به جای خواسته برقراری اعانه برای سالخوردگان و بیوه‌زنان مندرج در برنامه باکو خواستار تشکیل نوانخانه برای فقرا و بیمارستان برای بیماران می‌شود. در مجموع برنامه مشهد تنها در ۴ ماده، باورهای سوسیالیستی برجسته را مطرح کرده است و نسبت به برنامه باکو، معتدل‌تر است.

متن دیگری که از فرقه اجتماعیون عامیون در دست است، عنوان «انتباه‌نامه اجتماعیون عامیون ایران» را دارد<sup>۱۵</sup>. این انتباه‌نامه، فقرا، کسبه، زراعت‌کاران و دهاتیان ایران را مخاطب خود قرار داده است و از آن‌ها می‌خواهد بیدار شوند و خودشان را «از ظلم این ظالمان خوش خط و خال استبداد مذهب خلاص نموده رهایی یابند» (شاگری، ۱۳۵۷: ۴۷). این انتباه‌نامه در جریان مبارزات سال‌های اولیه مشروطه نوشته شده است و هدف اصلی آن ترغیب مردم به پیوستن و کمک به مشروطه‌خواهان است. از مردم می‌خواهد همت کنند و با بذل جان و مال خود تلاش نمایند تا حریت گرفته و سلطنت مشروطه تأسیس کنند. دشمن یا هدف مبارزه را حاکمان خودمختار، ظالم، جبار و لامذهب معرفی می‌کند. در این میان ظلم و ستمی که از طرف حاکمان بر مردم اعمال می‌شود، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. فقر و گرسنگی مردم را نتیجه ظلم حاکمان دانسته و داستان معروف «فروش دختران قوچان» و نقش حاکم آنجا را یادآوری کرده است. در متن، نویسندگان یا صادرکنندگان این بیانیه را ایرانیان مهاجر یا پناهنده به قفقاز یا «ما اهالی ایران که در قفقازیه ساکن هستیم»، معرفی می‌کند:

«ماها که از ظلم اولیاء دولت فرار نموده به صولجات قفقازیه پناهنده شدیم، آه ناله ملت ایران ما را در روسیه هم نگذاشت به درد خود مبتلا شویم. از این زندگی پنج روزه دست شسته هر قسم شده دست اتحاد به یکدیگر داده حاضر شدیم که جان در راه ملک و ملت فدا کنیم (شاگری، ۱۳۵۷: ۴۹)».

انتباه‌نامه با لحنی مذهبی و با استفاده از نمادهای شیعی تلاش دارد مخاطبان خود را به فعالیت سیاسی ترغیب کند. میدان تهران را به میدان کربلا تشبیه کرده است و از آن‌ها که می‌گویند ای کاش در کربلا حضور داشتند، می‌خواهد به یاری سید محمد طباطبایی، فرزندزاده حسین، مظلوم بشتابند که ابن‌زیاد ثانی امیر بهادر جنگ و وزرای بی‌دین خودخواه، دورش را گرفته‌اند و متابعتش را قربانی کرده‌اند. در ادامه می‌گوید:

«ای جماعت ایران قسم به خون مطهر حسین مظلوم، الآن مظلومیت ملت ایران از شهدای کربلای معلی زیادتر است و امیر بهادر یزید پلید است و متابعتش بدتر از ابن‌زیاد و شمر ملعون و خولی بی‌حیاست. ای ملت ایران به خدا قسم هر کس از افراد ملت در

طریق حاصل نمودن حریت ملک و ملت شهید بشود کمتر از درجه شهدای کربلای معلی نیست» (شاکری، ۱۳۵۷: ۴۸).

متن انتباه‌نامه به طور غیر مستقیم روش‌های رادیکال و خشونت‌آمیز را برای مبارزه پیشنهاد می‌کند. به دشمنان هشدار می‌دهد که به زودی بدن کثیف شما را می‌سوزانیم. خود را حاضر به فدا شدن در راه دولت و ملت معرفی می‌کند و در چند مورد از مخاطبان می‌خواهد از بذل جان و مال و کشته شدن نترسند. احتمالاً تحت تأثیر چنین ادبیاتی بوده است که مخالفان و رقبا این فرقه و گروه‌های چپ پس از آن را انقلابی، تندرو و گاهی تروریست نامیده‌اند.

در مورد ترکیب اجتماعی رهبران فرقه<sup>۱۶</sup> گفته شده است که ترکیب آن متنوع و غیر پرولتاری بوده است. به نظر رامنسکی ترکیب اجتماعی فرقه شامل بازرگانان، پیشه‌وران، صرافان، دهقانان، کارگران، خرده مالکان و روحانیت سطح پایین بود و فرقه‌گرایی، گرایش‌های توطئه‌آمیز و تروریسم فردی، بازتاب ناپختگی سیاسی سازمان بود که از ترکیب اجتماعی آن برمی‌خاست. به نظر توتایف فرقه مرکب بود از نمایندگان روحانیت خرده‌پا، روشنفکران، دانش‌آموزان، پیشه‌وران، بازرگانان خرده‌پا، دهقانان و کارگران که برای دمکراسی خرده بورژوازی مبارزه می‌کردند (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

### متون سایر گروه‌های سوسیال دمکرات

علاوه بر اجتماع‌یون عامیون، گروه‌های دیگری هم به عنوان سوسیال دمکرات در دوره مشروطه فعال بودند. شاکری (شاکری، ۱۳۸۴) از دو گروه سوسیال دمکرات ارمنی در تبریز و گیلان نام می‌برد. اعضای گروه سوسیال دمکرات تبریز، تحت تأثیر احزاب سوسیال دمکرات اروپایی بودند. مکاتبات و سؤال‌های اعضای گروه تبریز از افرادی مثل کارل کائوتسکی و گئورگی پلخانف نشان می‌دهد که مسئله تطبیق اندیشه‌های مارکسیستی با شرایط ایران از دغدغه‌های آن‌ها بود و باعث شکل‌گیری دو گرایش فکری شد. مسئله آن‌ها این بود که در شرایط جامعه ایران، سازمان سوسیال دمکرات مناسب‌تری دارد یا سازمانی که تنها دمکرات باشد و اینکه آن‌ها باید چه نقشی در انقلاب مشروطه به عهده گیرند.<sup>۱۷</sup> یک گرایش خواهان همکاری با دمکرات‌های غیر سوسیالیست بود و با سوسیال دمکرات خالص مخالفت می‌کرد و گروه دیگر معتقد به تشکیل گروه‌های خالص سوسیال دمکرات و آموزش سوسیالیستی در میان کارگران و

سایر حقوق‌بگیران بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۲۴) و (آگاهی ج، ۱۳۵۷: ۲۵). گروه اول معتقد بود تا فراهم شدن شرایط عینی و ذهنی برای سازمان دادن به پرولتاریا و البته به عنوان یک مصلحت سیاسی و تدبیر تاکتیکی و نه مسئله اصولی «از فعالیت سوسیال دمکرات خالص دست برداشته به صفوف دمکراسی داخل شده آن را از عناصر مرتجع پاک کرده به تشکل آن کمک نموده و البته به مثابه رادیکال‌ترین عناصر در آن فعالیت نمود» (آگاهی ج، ۱۳۵۷: ۲۵). به نظر این‌ها در ایران تولید در مرحله ابتدایی باقی مانده، کارگران در شرایط فلاکت‌باری زندگی می‌کردند و دهقانان بی‌زمین در وضعیت نیمه سرفداری به سر می‌بردند و تضاد و آگاهی طبقاتی ناممکن بود. این مشکلات پرولتاریا به خاطر سرمایه‌داری نبود، بلکه از عدم رشد سرمایه‌داری ناشی می‌شد و بنابراین «سوسیالیسم ایرانی» نه نتیجه ضرورت‌های واقعی ایران بلکه یک «کالای قاچاق» بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۲۶). دغدغه گروه اقلیت تبریز حاکی از آگاهی آن‌ها از شرایط جامعه ایران و لزوم ایرانی‌سازی اندیشه‌های وارداتی بود. بر خلاف اجتماعیان عامیون که به طور خاص در انتباه‌نامه تلاش کرده بودند با استفاده از ابزاری از احساسات و باورهای مذهبی ایرانیان، آنان را به سمت خود و مشارکت در انقلاب تشویق کنند، گروه اقلیت تبریز سعی داشتند با الهام از نظریه‌های مارکسیستی نظریه‌ای متناسب با شرایط جامعه ایران بسازند.

### مرام‌نامه و روزنامه حزب دمکرات ایران

آخرین گروهی که نوشته‌ها و گفته‌هایش در این مقاله تحلیل می‌شود، «حزب دمکرات ایران» است.<sup>۱۸</sup> به نظر اتحادیه (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۳۰۹)، «حزب دمکرات یک حزب آشکار و رسمی بود و مایل بود رابطه گذشته‌اش با انقلابیون فراموش شود و نام خود را دمکرات یا عامیون گذاشت و عنوان اجتماعیان یا سوسیالیست را به همین علت از نام خود حذف کرد. با این حال باز هم رقبا آن‌ها را انقلابی و سوسیالیست می‌دانستند». حزب دمکرات ایران «توانست اعضای میانه‌روی گروه سوسیال دمکرات تبریز، رهبران رادیکال «فرقه اجتماعیان عامیون، مجاهد» و رسول‌زاده میانه‌رو «همتی» را در یک حزب سیاسی گرد هم آورد» (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۷۶). دو ماه پس از تشکیل مجلس دوم، مرکز فرقه در قفقاز دستور انحلال تمام شعب اجتماعیان عامیون را در ایران صادر کرد. در این اطلاعیه که با عنوان انتباه‌نامه در تهران انتشار یافت، آمده است: «...»

از این تاریخ رسماً شعبات فرقهٔ اجتماعیون از ایران موقوف است و شعبه رسمی نداریم و احدی نمی‌تواند خود را نسبت به این فرقه بداند...» (آجودانی، ۱۳۸۳: ۴۳۵).<sup>۱۹</sup> به نظر برخی نویسندگان، حزب دمکرات ادامهٔ اجتماعیون عامیون بوده است و این تشابه را می‌توان از روی مرام‌نامه‌های آن‌ها تشخیص داد. به نظر آبراهامیان (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۹۴)، دمکرات‌ها در تدوین برنامه‌شان از بیانیه‌های سوسیال دمکرات‌های پیشین بسیار وام گرفتند. به نظر شاکری (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۲۶) فکر ایجاد حزب دمکرات ایران از سوسیال دمکرات‌های ارمنی سرچشمه می‌گرفت که در سال ۱۲۸۷ در گروه سوسیال دمکرات تبریز دیدگاه اقلیت (دمکراتیک در برابر سوسیال دمکرات‌ها) را تشکیل می‌دادند. وی برای تأیید این ادعا شرحی از نامه‌های پیلوسیانتز (یا پیلوسیان) از تبریز به تقی‌زاده در تهران را ارائه می‌کند که در آن نامه‌ها، تشکیل حزب دمکرات تشویق شده است. گروه سوسیال دمکرات تبریز نخست به صورت یک گروه مطالعاتی در اواخر تابستان ۱۲۸۴ به وجود آمد (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۲۳).<sup>۲۰</sup>

«مرام‌نامهٔ فرقهٔ سیاسی دمکرات ایران (عامیون)» یک برنامهٔ موقتی بود که در یک مقدمه و هفت فصل تدوین شده بود.<sup>۲۱</sup> در مقدمهٔ مرام‌نامه به جریان تحول و ترقی ملل مختلف دنیا، در قالب حرکت از فئودالیزم<sup>۲۲</sup> به سوی کاپیتالیسم و تأثیر آن بر مشرق زمین اشاره می‌شود. قرن بیستم را برای شرق معادل قرن هفدهم برای ممالک غربیه دانسته که در آن فئودالیزم جایش را به کاپیتالیسم داده است. روزهای مشوش ایران نتیجهٔ این گذار بوده و کشور «می‌خواهد به شکل مملکت قانونی بیاید فقط از یک طرف موجود نبودن آلات و ادوات لازمه این تبدیل شکل و از طرف دیگر رقابت سرمایه خارجی آن را تضییق نموده و به اشکالات بزرگ دچارش می‌نماید» (اتحادیه، ۱۳۷۸: ۱۳۵). مسائل مهم را مشکل تاریخی «عدم اصول و اداره انتظامی» و مشکل متأخر «حس نافرمانی و آنارشی» و نیز تشکیل یک حکومت قانونی قوی و مرکزی و تقویت صنایع ملی برای ایستادگی در برابر فشارهای خارجی می‌داند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدمهٔ مرام‌نامه چندان به تشریح اندیشهٔ مارکسیستی و سوسیالیستی نپرداخته است. هدف را رسیدن ایران به کاروان ترقی و وظیفهٔ خود را ایجاد یک فرقهٔ سیاسی متشکل از ارباب معارف و اشخاص با ناموس و وطن‌پرست می‌داند.

مرام‌نامه شامل هفت فصل است: در ترتیب سیاسی، حقوق مدنی، قانون انتخابات، قضاوت، امور روحانی و معارف، دفاع ملی و اصول اقتصادی. تعداد ماده‌های فصل

اصول اقتصادی از بقیه بیشتر است. در مسئله ارضی و دهقانی، ۵ ماده وجود دارد: قانونی عادلانه و سراسری برای معامله مالکین با برزگران و دهاتیان، ممنوعیت هر نوع عوارض و مأخوذات از طرف مالکین بر رعایا غیر از حقوق قانونی، نسخ حکومت ارباب و مالکین و انتقال رسیدگی در امور مدنی و ملکی به مأمورین دولت و حکام، تقسیم اراضی خالصه بین زارعین و رعایا و تأسیس بانک زراعتی برای خرید املاک اربابی و فروش آن به زارعین و ممنوعیت اخراج و تبعید دهاتی از مسکن خود. به امور کارگری هم چند ماده اختصاص داده شده است. ممنوعیت کار برای کودکان زیر ۱۴ سال، حداکثر ۱۰ ساعت کار در شبانه‌روز، تعطیلی یک روز در هفته و مواظبت از لوازم کارخانجات، از این جمله‌اند.

در فصل امور روحانی و معارف، خواستار انفکاک کامل قوه روحانیه شده است که منظور جدایی دین از سیاست است. به نظر شاکری با توجه به حمایت بخشی از روحانیت از مشروطیت، این ماده جسارت‌آمیز بود. به همین دلیل در متنی دیگر توضیحی درباره آن داده شده است.<sup>۳۳</sup> این متن «شرح مرام‌نامه دمکرات عامیون» است که در سال ۱۳۲۶ قمری و با امضای «به قلم یک نفر دمکرات» چاپ شده است. این نوشته توجیهی اسلامی از مواد مرام‌نامه دمکرات‌ها است و استدلال می‌کند که اصول حزب دمکرات ایران و حمایت از منافع زحمتکش‌ها با روح اسلام سازگار است (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۳۱۳) و (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۷۰). نویسنده یادآوری می‌کند که در اسلام، قوه روحانیه مخصوص هیچ صنفی نیست و همه حق تعلیم و ارشاد جاهل و امر به معروف دارند، اما بنی‌عباس قوه روحانیه را از قوه سیاسی دولتی منفک کردند و به این ترتیب فقها و علما، یک فرقه ممتاز از رجال دولت شدند. سپس توضیح می‌دهد که در مذهب شیعه، سلطنت حقه با علما و فقهای جامع‌الشرایط است، اما هنوز این امر اجرا نشده است و نمونه‌ای در دست نیست که بتوان مثال آورد. پس از این مقدمات، نویسنده نمونه‌هایی از پیامدهای منفی عدم انفکاک این دو قوه را در جامعه ذکر می‌کند تا نشان دهد ماده انفکاک در مرام‌نامه به نفع ملت، دولت و حتی خود روحانیون و مذهب است. برای جلوگیری از پیدایش این تصور که مقصود این ماده، حذف روحانیون است، توضیح می‌دهد که منظور از انفکاک، جلوگیری از دخالت دو طرف در امور یکدیگر، جلوگیری از تعارض و جدال روحانیون و دولتی‌ها و ممانعت از تبانی و همدستی آنها است که همه به ضرر مردم است. در پایان طبق قانون روحانیون



را برای «استنباط و تعلیم و افشاء احکام» لازم می‌داند و می‌گوید فقیه می‌تواند در ادارات دولتی پذیرفته شود «اما همین‌که شخص داخل امور سیاسی شد، در آن حال به عنوان مأموریت سیاسی به امور روحانی و به عنوان روحانیت در امور سیاسی نباید دخالت کند» (اتحادیه، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

یکی دیگر از نوشته‌ها و گفته‌های مهم حزب دمکرات ایران، «بیانات شعبه پارلمانی فرقه دمکرات ایران» است که سلیمان میرزا اسکندری در مجلس خواند و در شماره ۱۲۰ از سال دوم روزنامه ایران نو<sup>۲۴</sup> چاپ شد. در این بیانات ابتدا مقدماتی درباره سیاست خارجه گفته می‌شود و سپس به «پلتیک داخله» می‌پردازد و در آخر، فصول هفت‌گانه «مرام‌نامه فرقه سیاسی دمکرات ایران (عامیون)» خوانده می‌شود. در سیاست داخلی سه اصل عمده را مورد قبول فرقه دمکرات ایران می‌داند و هر یک را توضیح می‌دهد: مرکزیت، پارلمانتاریزم و دمکراتیزم. عدم مرکزیت، یعنی عدم کنترل دولت مرکزی بر ایالات را مشکل تاریخی ایران تلقی می‌کند و دو واژه مصطلح «شاهنشاه» و «ممالک» را به عنوان نشانه‌ای از وجود آن می‌داند. تذکر می‌دهد که مرکزیت نباید در دست گروهی خاص یا حتی دولتی غیر مسئول باشد، بلکه باید تحت نظارت و کنترل پارلمان باشد. از اینجا به اصل پارلمانتاریزم می‌رسد و می‌گوید:

«فرقه ما اولین مدافع پارلمانتاریزم خواهد بود و از دایره این اصول ممدوح هیچ خارج نشده کلیه تنقیدات و ایرادات خود را به واسطه این اصول بکار خواهد برد» (بی‌نام، ایران نو، سال دوم: ش ۱۲۰).

سپس این دو اصل را مشروط به دمکراتیزم کرده است؛ یعنی «اکثریت عظیمه این ملت در او اشتراک داشته باشد». قوانین مجلس باید منافع اکثریت عظیمه ملت یعنی رنجبران، دهاتیان، کسبه و اصناف را در نظر داشته باشد. در بیانات پارلمانی به برخی اصول فرقه دمکرات در «اجتماعیات» و «اقتصادیات» هم اشاره می‌شود. برخی از این اصول این‌ها هستند: در نظر داشتن منافع دمکراسی ایران، حذف امتیازات مابین طبقات مختلف ملت، ملاک بودن استعداد ذاتی و زحمات شخصی، انحلال قانون فئودالیزم، تناسب مالیات‌ها به نفع ضعفا، معارف و تحصیل عمومی، تعلیم عمومی و اجباری، خدمت نظامی عمومی، امنیت و مرکزیت اقتدارات دولتی، طرفداری از رنجبران این مملکت.

روزنامه ایران نو، ارگان اصلی حزب دمکرات ایران هم جایی برای بیان

خواسته‌های حزب بود. رسول‌زاده نقشی اساسی در تهیه سرمقاله‌ها و تعیین جهت‌گیری کلی روزنامه داشت<sup>۲۵</sup>. البته به علت شرایط آن دوره و گرایش‌های کمتر سوسیالیستی برخی اعضای حزب در روزنامه ایران نو عدالت‌چندان مورد تأکید واقع نشده است<sup>۲۶</sup>. توجه شود که اعضای این حزب پیش و بیش از آنکه سوسیالیست باشند، مشروطه‌خواه بودند. به هر حال، نشانه‌هایی از گرایش سوسیالیستی روزنامه وجود دارد. به عنوان نمونه، در شماره ۳ دو خبر وجود دارد که نشان‌دهنده گرایش‌های سوسیالیستی این روزنامه است: خبری درباره کنگره بین‌المللی اجتماع‌یون یا سوسیالیست‌ها در کینهاک و خبری در باب تعطیل (یا اعتصاب) کارگران پاریس. شاهد دیگر استفاده از واژه‌هایی مثل ارتجاع برای نامیدن مخالفان خود و مشروطه (در شماره‌های ۹ و ۱۵) و واژه‌هایی مثل رنجبران (در شماره ۲۰) است که در ادبیات چپ، سابقه دارد. تعریف و تحلیلی مارکسیستی از انقلاب ارائه شده است: «انقلاب و شورش اشارت از مصادمه‌ای است که برای کسب استیلا سیاسی مابین طبقات اجتماعیه درمی‌گیرد» (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۹۸). در این روزنامه بر درستی تحلیل مارکسیستی از انقلاب، به ویژه تلقی انقلاب به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر، تأکید شده است و از مصائب پرولتاریای بین‌الملل و اعلان اشتراکیت (مانیفست کمونیست) صحبت می‌کند (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۹۸). برای نشان دادن گرایش‌های چپ دمکرات‌ها می‌گوید که دمکرات‌ها در طرف چپ مجلس، جلوس نموده‌اند (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۱۰۷). در شماره ۱۶ تمام صفحه اول روزنامه، به سرمقاله‌ای اختصاص یافته که بی‌مقدمه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی کارگران اروپایی می‌پردازد. همچنین گزارشی از وضع و حال خانواده‌های فقیر شهری در تهران منتشر شده است که شبیه به گزارش‌های روزنامه‌های امروزی است (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۱۰۷). فقر، یکی از موضوعات مورد علاقه چپ‌ها است. در همین خصوص از تشکیل کمیسیون اعانه برای کمک به سرمازدگان پایتخت استقبال کرده است، از مالیات‌های غیرمستقیم به ضرر ملت رنجبر، انتقاد شده و مالیات مستقیم بر ثروت‌های متراکمه اغنیا و اربابان را خواستار می‌شود (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۹۸).

مساوات‌طلبی یکی از محوری‌ترین گرایش‌های حزب دمکرات است که در مرام‌نامه آن آمده است. روزنامه *ایران نو* مساوات‌طلبی را به مخالفت با اعیان و ملاکین و مقامات ممتاز شاهزادگی ربط می‌دهد (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۸۳). به جهت

مخالفت‌های سابقه‌دار علمایی چون شیخ فضل‌الله نوری با مساوات<sup>۲۷</sup>، در همان جا مجبور می‌شود به عدم تعارض مساوات طلبی با اسلام اشاره کند. می‌گوید: «مسلک و مطالبات فرقه دمکرات ابداً تناقضی با شریعت نداشته و موافق احکام خود شریعت مطهره است». البته در این راه زیاد پیش نمی‌رود و بعد اضافه می‌کند که «علما و روحانیون حق ندارند که صنف مخصوص ممتازی را در میان ملت تشکیل دهند». حذف امتیازهای موروثی اشراف و اعیان، یکی از خواسته‌های مطرح در گفتمان حزب دمکرات است (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۲۰). در همین راستا، برای حذف امتیازات اشراف و ثروتمندان، خواستار تغییر نظام انتخاباتی می‌شود. انواع شیوه‌های انتخاباتی را توضیح می‌دهد و از چهار شیوه نام می‌برد: انتخاب اشرافی، اصنافی، لیاقتی (بر اساس دارایی و ثروت) و عمومی (بی‌نام، *ایران نو*: ش ۵۱). به نظر نویسنده تا حالا در انتخابات مجلس دو شیوه اصنافی و لیاقتی برقرار بوده که ضعف آن‌ها نیز مشخص شده است و بنابراین بهترین شیوه، انتخاب عمومی است تا قسمتی از ملت از انتخابات محروم نشوند.

از دیگر ویژگی‌های این روزنامه، اشاره به الگوهای اروپایی و ابراز حسرت از وضع ایران است. در این راستا از واژه‌های فرنگی به دفعات استفاده شده است. به طور مثال، به جای کلمه مجلس و یا دارالشورای ملی که در آن روزها توسط برخی افراد و گروه‌ها به کار می‌رفت، از واژه پارلمان استفاده می‌کرد. *ایران نو* به ترقی و توسعه صورت گرفته در اروپا با نظر مثبت و موافق نگاه می‌کند و آن چیزها را برای ایران، مفید و حتی ضروری می‌داند. در این باب در شماره ۷، راهکارهایی را برای تسهیل پذیرش تحولات مدرن ارائه می‌کند. می‌گوید برای قدرت یافتن و توانا شدن در برابر اروپاییان باید مثل آن‌ها شویم. باید اصول اروپایی را خود به خود قبول کنیم تا اینکه بتوانیم در مقابل اروپا بایستیم والا مضمحل خواهیم شد. البته برای تسهیل پذیرش علوم و فنون می‌گوید: «علوم و فنون و صنایع اروپاییان منحصر به هیچ دین و مال هیچ ملت اروپایی نیست. مثل فیوضات علوم و فنون، اصل آن‌ها نیز عمومی و مال تمام اولاد بشر می‌باشد» (بی‌نام، *ایران نو*، ش ۷). جریان ترقی و تعالی اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان در برابر آن مقاومت کرد. ترقی و تعالی را به سیل خروشان تشبیه می‌کند که برای رهایی از آن باید سوار کشتی شد و با آن حرکت کرد، زیرا نمی‌توان در مقابل آن ایستاد. می‌گوید: «اقوامی که آلات مدافعه ندارند مثل خس و خاشاک داخل ... این سیل

گردیده به طرف اضمحلال می‌روند» (بی‌نام، *ایران نو*، ش ۷). تمام دنیا محکوم این ترقی و تکامل است و هیچ قهرمان آهنین‌پوشی هم نمی‌تواند از تابعیت قوانین تاریخ، تکامل و ترقی سر بپیچد. سرانجام لازم می‌بیند که برای جلوگیری از تبلیغات مخالفان که مردم را از تغییرات اخلاقی و دینی می‌ترسانند، ناسازگاری پیشرفت با دین و اخلاق را انکار کند. «بعضی از متعصبین این گونه به عوام القاء می‌کنند که آن‌ها که می‌گویند باید اصول فرنگی را قبول کرد، نعوذبالله مقصود از دین و آیین آن‌ها است. این اشتباه محض و تفتین عین است. مترقیون چنین نگفته‌اند، زیرا آن‌ها خوب می‌دانند که علت ترقی اروپا دین آن‌ها نبوده، بلکه مدنیت و اصول اداره دنیویه ایشان است» (بی‌نام، *ایران نو*، ش ۷). به این طریق اطمینان می‌دهد که کسی نمی‌خواهد برای ترقی و پیشرفت، دین مردم را به مسیحیت تغییر دهد. سپس همین موضوع را با عبارات دیگر تکرار می‌کند:

ما می‌توانیم که در مسائل اخلاقی و ملی و دینی خودمان هر طور لازم می‌دانیم تشبثات بنماییم و نگذاریم که اخلاق حسنه مخصوصه ما در تحت تأثیر اخلاق ذمیمه اروپاییان مضمحل گردد، ولی نمی‌توانیم از اروپا بالمره صرف نظر کرده ... (بی‌نام، *ایران نو*، ش ۷).

## نتیجه

جامعه ایرانی در آستانه مشروطیت چندان آمادگی جذب اندیشه‌هایی همچون سوسیالیسم را نداشت. برای رواج ایده‌های جدید، موانع اجتماعی و عقیدتی چندی وجود داشت و بنابراین، نفوذ ایده‌های نوی که از بیرون می‌آمد، مستلزم ایرانی‌سازی آن‌ها بود. آن‌ها برای رفع موانع موجود بر سر راه جذب عناصر جهانی یا خارجی، دست به ساخت توجیهات برای آن‌ها می‌زدند. نمونه بارز این کار «شرح مرام‌نامه دمکرات، عامیون به قلم یک نفر دمکرات» است که در آن توجیهی اسلامی از مواد مرام‌نامه دمکرات‌ها، ارائه شده است. طی این فرایند، اندیشه‌ای دورگه شکل می‌گیرد که با نسخه اصل آن متفاوت است.

سرگذشت اندیشه‌های چپ در ایران تا حدی نمونه‌ای از سایر اندیشه‌های جهانی است که وارد ایران شدند. این خواسته‌ها برآمده از شرایط عینی و مبتنی بر منافع زمینی نبوده و توسط روشنفکران از بیرون، وارد جامعه می‌شوند. پس از ورود اندیشه‌ها، گروه‌هایی از افراد که به طور معمول از روشنفکران و طبقات متوسط جدید هستند، در

زیر پرچم آن‌ها جمع می‌شوند و حزب و نیروی سیاسی تشکیل می‌دهند. به جای اینکه این گفتمان‌ها حاصل شکاف‌های اجتماعی باشند، در مواردی گفتمان‌ها عامل ایجاد شکاف در جامعه می‌شوند یا اینکه بر شکاف‌های موجود سوار می‌شوند و آن‌ها را به نفع خود مصادره می‌کنند. به علت همین بی‌ریشگی است که برای جذب در جامعه، مجبور می‌شوند خود را هماهنگ با شرایط تغییر دهند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب مارکس (۱۳۸۱) تحت عنوان *صورت‌بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری* اشاره کرد.
۲. در کتاب *جامعه سنتی و جامعه مدرن* ویراسته مالکوم واترز (۱۳۸۱) بخش‌هایی از این نظریه‌ها درج شده‌اند.
۳. به عنوان نمونه، کاتوزیان (۱۳۸۰: ۲۵) هم انقلاب‌های معاصر و هم تغییر سلسله‌ها را در قدیم به صورت چرخه هرج و مرج - استبداد تفسیر می‌کند.
۴. درباره سابقه و محتوای این نظریه نک: شهابی و لیتز (۱۳۸۰).
۵. «دوره‌ای شدن» تنها حالت تعامل عناصر درونی و بیرونی نیست. در جایی دیگر، سایر انواع تعامل و اینکه تعامل بین آن‌ها چه پیامدهایی برای جامعه تأثیرپذیر دارد و چگونه فرایندها و ساختارهای این جوامع را شکل می‌دهد، به طور مفصل‌تر تشریح شده است. نک: تاجداری (۱۳۸۶).
۶. آشوری (۱۳۷۷: ۱۵۶-۱۴۳) اشاره‌ای مختصر به رویارویی‌های تاریخی ایران با تمدن‌های دیگر داشته و به روبه‌رویی با غرب هم توجه ویژه‌ای نشان داده است.
۷. اینکه چرا در دوره صفویه روبه‌رویی با غرب نتوانست تأثیرات عمیق و شدیدی بر جامعه ایران وارد کند و تحولات ناشی از غرب تا دوره قاجار به تعویق افتاد، از مسائل مهم تاریخی و اجتماعی است که شایسته تفکر و تأمل بیشتری است. برای آشنایی با نخستین رویارویی‌های فکری ایرانیان با غرب و اندیشه‌های آنان به حائری (۱۳۸۰) رجوع شود.
۸. استفاده از مفهوم جوامع تأثیرگذار و تأثیرپذیر، به عنوان جانشینی برای دوگانه‌های دیگری مثل مرکز - پیرامون و توسعه‌یافته - توسعه‌نیافته، ابتدا توسط سرایی (۱۳۸۵) صورت گرفته است. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری، فرایندی دوطرفه است. جوامع هم تأثیر می‌پذیرند و هم تأثیر می‌گذارند، ولی در طی روبه‌رویی با غرب، جریان تأثیر بیشتر از غرب به سمت جوامع دیگر بوده است. بنابراین، وقتی هدف شناخت جامعه تأثیرپذیر است، می‌توان از تأثیراتی که این جوامع بر جوامع غربی گذاشته‌اند، آگاهانه صرف نظر کرد و به طور تقریبی، جوامع غربی را

- تأثیرگذار و بقیه را تأثیرپذیر نامید. به دیگر سخن، تأثیرپذیری جوامع غیر غربی اهمیت بیشتری برای فهم یا تبیین آن‌ها دارد و می‌توان به دلیل ملاحظات نظری از تأثیرگذاری آن‌ها بر جوامع را غربی صرف نظر کرد. البته، تأثیرگذاری این جوامع بر جوامع غربی نمی‌توان انکار کرد یا کاملاً بی‌اهمیت تلقی کرد، همان‌طور که تبیین جوامع غربی بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری‌هایشان بر سایر جوامع، احتمالاً ناقص خواهد بود. استوارت هال می‌گوید: «... بقیه برای شکل‌گیری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غرب ضروری بود ...» (هال، ۱۳۸۶: ۱۱۶).
۹. در مقاله حاضر محدوده زمانی و محتوایی گفتمان چپ اولیه بنا بر مقتضیات تعیین شده است. در تعریفی وسیع‌تر، می‌توان نوشته‌ها و گفته‌هایی که بعد از مشروطه تولید شده یا آن‌هایی که در نقد یا مخالفت با ایده‌های چپ تولید شده است را هم بخشی از گفتمان چپ نظر گرفت.
۱۰. عبدالحسین آگاهی در مقاله «پیرامون نخستین آشنایی ایرانیان با مارکسیسم» بر اساس این جمله ملک‌المتکلمین در روزنامه روح/القدس در سال ۱۹۰۷ که «بزودی آفتاب آزادی از افق روسیه سر برآورده تمام مردم مظلوم را برای زندگی نوینی روح خواهد بخشید» ادعا کرده که او لنین را می‌شناخته و با افکار انقلابی آشنا بوده است. نک: آگاهی الف، ۱۳۵۷: ۱۶.
۱۱. این مقاله در روزنامه/یران در شماره ۴۱۲ مورخه ۸ مارس ۱۸۸۰ تجدید چاپ شده است. نک: آگاهی ب، ۱۳۵۷.
۱۲. به عنوان شاهدی بر این مدعا، اسناد نشان می‌دهند که در بهار ۱۲۸۸ (۱۹۰۹) در تفلیس کمیته جدیدی انتخاب و تصمیم گرفته شد داوطلبانی را برای مبارزه با شاه به ایران اعزام کند (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۸۳).
۱۳. بعدها که حزب کمونیست و حزب توده تشکیل شد، از واژه سوسیال دمکرات کمتر برای نام بردن از جریان چپ استفاده شد. نویسنده‌ای که به نظر می‌رسد وابسته به همین جریان باشد با اشاره به اجتماعيون عاميون می‌گوید: «دوران فعالیت سوسیال دموکراسی ایران را نمی‌توان چیزی بیشتر از دوره اولیه نفوذ اندیشه‌های سوسیالیسم علمی به کشور دانست» (آگاهی ج، ۱۳۵۷: ۲۶).
۱۴. به عنوان نمونه‌ای از تلاش برای مقبولیت بیشتر مقاصد حزب در جامعه ایرانی، در مقدمه مرام‌نامه آمده است: «کلام مقدس می‌فرماید لیس للانسان الا ما سعی. از اینجا می‌توان به قرب و منزلت عالی و مقدس بودن کوشش مجاهدین پی برد» (شاکری، ۱۳۵۷: ۴۵).
۱۵. این انتباه‌نامه در شاکری (۱۳۵۷) به نقل از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان آورده شده است.
۱۶. مرکز غیبی در تبریز را کمیته مرکزی فرقه اجتماعيون عاميون شاخه تبریز به شمار می‌آورند (شاکری، ۱۳۵۷: ۱۹۸-۲۰۲). کسروی (کسروی، ۱۳۸۰: ۲۰۵-۲۰۴) رهبران مرکز غیبی در تبریز را شامل این افراد می‌داند: کربلایی علی موسیو، حاجی رسول صدقیانی، حاجی علی دوافروش، سید حسن شریف‌زاده، میرزا محمدعلی‌خان تربیت، جعفر آقا گنجه‌ای، آقا میرباقر،

میرزا علی اصغر خوبی، آقا تقی شجاعی، آقا محمدصادق خامنه و سید رضا. آبراهامیان (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۷۰) خاستگاه شغلی آن‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: «رئیس گروه تاجری شیخی به نام علی کربلایی بود که به علت علاقه‌اش به ادبیات فرانسه و فلسفه سیاسی فرانسوی به مسیو شهرت داشت. یارانش عبارت بودند از برادر کوچک‌تر تربیت، سه تاجر که به دلیل کارشان مرتب به باکو سفر می‌کردند، دو دباغ، یک کارمند، و یک زبان‌دان جوان که زبان‌های روسی، آلمانی، انگلیسی، و نیز فرانسه را در مدرسه میسیونرهای فرانسوی محل تحصیل کرده بود.»

۱۷. پلخانف جواب نداد اما کائوتسکی به سؤال آن‌ها پاسخ داد که در ایران پرولتاریای صنعتی به علت عدم رشد اقتصادی به وجود نیامده است، و بنابراین سوسیالیست‌ها باید فقط در مبارزه دمکراتیک عمومی توده‌ها شرکت جویند (آگاهی (ج) ۱۳۵۷: ۲۵). اکثریت اعضای گروه در صحت نظریه کائوتسکی تردید کرده و آن را نپذیرفتند. واسو خاچاتوریان و آرشاور چلنگریان از این جمله بودند.

۱۸. پایه‌گذاران و رهبران حزب دمکرات ایران افراد زیر بودند: سیدحسین تقی‌زاده، محمدظاهر تنکابنی، حسین‌قلی خان نواب، شیخ ابراهیم زنجانی، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، سید محمدرضا مساوات، سلیمان میرزا اسکندری، حیدرخان عمواغلی و محمدامین رسول‌زاده. به نظر شاکری (شاکری، ۱۳۸۹: ۲۶۱) پایه‌گذاران واقعی و گردانندگان پشت پرده حزب و روزنامه *ایران نو* چند روشنفکر ارمنی بودند که از گروه سوسیال دمکرات تبریز انشعاب کرده بودند. با این حال، اعضای حزب دمکرات در تهران از بازماندگان انجمن‌های رادیکال پیش از ۱۲۸۵ بودند: تقی‌زاده و محمد تربیت از گنجینه فنون در تبریز، سلیمان اسکندری و محمدرضا مساوات از کمیته انقلابی در تهران و حسین‌قلی خان نواب از یاران سابق ملک‌خان در لندن و احتمالاً عضو مخفی جامع آدمیت در تهران.

۱۹. آبراهامیان می‌گوید: «سوسیال دمکرات‌های باکو به اعضای خود توصیه کردند که شاخه‌های خود را در ایران منحل کنند و به سازمان جدید بپیوندند. اما سوسیال دمکرات‌های ایرانی در قفقاز به همکاری با سوسیال دمکرات‌های روسی، به خصوص بلشویک‌ها، ادامه دادند. منبع وی شماره ۱۲ بهمن ۱۲۸۸ روزنامه *ایران نو* است.»

۲۰. پذیرفتن نظر شاکری به این معنا است که حزب دمکرات ایران بیشتر گرایش دمکراتیک داشته تا سوسیالیستی. نام حزب، خواسته‌های حزب و فعالیت‌های آتی برخی اعضا مثل تقی‌زاده را می‌توان همچون تأییدی بر این نظر تلقی کرد. از میان آن‌ها حیدرخان عمواغلی و رسول‌زاده، سوابق سوسیالیستی روشن داشتند و سلیمان میرزا اسکندری بعدها فعالیت‌های سوسیالیستی بیشتری از خود نشان داد. او حزب اجتماع‌یون (سوسیالیست) را تأسیس کرد و رهبر حزب توده شد.

۲۱. اولین نسخه این مرام‌نامه در ۱۳۲۸ هجری قمری چاپ شده بود. برای متن این مرام‌نامه نک: اتحادیه، ۱۳۷۸: ۱۳۹-۱۳۳.
۲۲. در متن واژه ملوک‌الطوایفی به عنوان معادل فئودالیسم در پرائتز قرار داده شده است.
۲۳. توضیحات شرح مرام‌نامه به قلم یک دمکرات درباره این ماده به صورت پاورقی در اتحادیه (۱۳۷۸: ۱۳۷) آورده شده است.
۲۴. در انقلاب مشروطه حزب دمکرات روزنامه‌ای منتشر می‌کرد که «*ایران نو*» نام داشت و به عنوان ارگان اصلی حزب دمکرات شناخته می‌شود. البته این روزنامه قبلاً هم منتشر می‌شده است و از ۲۱ شوال ۱۳۲۸، مطابق با ۲۴ اکتبر ۱۹۱۰ (یعنی از شماره سوم در سال دوم)، با تغییر مدیریت ارگان حزب دمکرات شد. صاحب امتیاز این روزنامه سیدمحمد شبستری، مشهور به ابوالضیاء بود اما نقشی در انتشار آن نداشت. مدیریت آن را سید مهدی افجه‌ای به عهده گرفت و محمدامین رسول‌زاده سردبیر آن شد. گفته می‌شود دمکرات‌ها در دوره‌های مختلف ۱۴ روزنامه، ۱۱ هفته‌نامه و ۲ هفته‌نامه داشتند. این نشریه‌ها به دوره‌های مختلف مربوط می‌شود که تا آستانه کودتای رضا شاه هم ادامه می‌یابد. به طور خاص، در دوره مجلس دوم روزنامه‌های مختلفی به حزب دمکرات نسبت داده می‌شود که از میان آن‌ها/ایران نو چاپ تهران، شفق چاپ تبریز و نوبهار چاپ مشهد از جمله ارگان‌های اصلی دمکرات‌ها بودند (مولانا، ۱۳۵۸: ۱۷۸).
۲۵. مخالفت با روسیه تزاری از ویژگی‌های مهم این روزنامه است. همان‌طور که حزب توده به پیروی از جریان سوسیالیستی غالب در زمانه خودش با امریکا و امپریالیسم مخالفتی افراطی نشان می‌داد، حزب دمکرات، یا شاید نویسندگان روزنامه، به تبعیت از احزاب سوسیالیستی نزدیک به خود که بیشتر روسی بودند، با حکومت وقت روسیه دشمنی سرسختانه‌ای را پی می‌گرفت. به نظر می‌رسد روس‌ستیزی همراه با پرداختن به برخی اتفاقات داخلی روسیه را باید به نویسندگان سرمقاله‌ها ربط داد. یکی از سرمقاله‌نویس‌های روزنامه، رسول‌زاده بوده که سال‌ها در روسیه زندگی و با حکومت تزاری مبارزه کرده بود.
۲۶. عدالت در دوره پیش از تأثیرپذیری ایران در مقابل ظلم شاهان و زورمندان معنا می‌یافت و معنایی متفاوت با مفهوم عدالت در گفتمان‌های سوسیالیستی جدید داشت. به ویژه عدالت اقتصادی که تغییر در مناسبات طبقاتی در جامعه صنعتی غرب را مدنظر داشت. در فرایند تأثیرپذیری ایران از غرب این مفهوم عدالت، بی‌توجه به بود و نبود زمینه‌های اجتماعی طرح آن، وارد ایران شد. در آن دوره هنوز ایران گام‌های اولیه صنعتی را برنداشته بود. کارگران صنعتی ایرانی تنها شامل گروه‌های مهاجری می‌شد که در مناطق صنعتی باکو و قفقاز شاغل بودند. مسئله عدالت در میان آن‌ها شکل گرفت و از آنجا وارد ایران شد.
۲۷. برای نظریات شیخ فضل‌الله که در لوایح درج شده است، نک: رضوانی، ۱۳۶۲.



## منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*، کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز. آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۳). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). *ما و مدرنیت*، تهران: صراط.
- آگاهی، عبدالحسین (۱۳۵۷ الف). «پیرامون نخستین آشنایی ایرانیان با مارکسیسم»، در *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی در ایران*، به کوشش خسرو شاکری، ج ۱، صص ۱۷-۱۳.
- آگاهی، عبدالحسین (۱۳۵۷ ب). «پیرامون قدیمی ترین سند چاپی از تاریخ سوسیالیسم در ایران»، در *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی در ایران*، به کوشش خسرو شاکری، ج ۱، صص ۱۲-۵.
- آگاهی، عبدالحسین (۱۳۵۷ ج). «دوران اولیه نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی در ایران»، در *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی در ایران*، به کوشش خسرو شاکری، ج ۱، صص ۲۹-۱۸.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۸). «مرام‌نامه‌های احزاب اولیه در ایران»، در *احزاب سیاسی در ایران*، ویژه‌نامه یاد، سال چهاردهم، ش ۵۳ تا ۵۶، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*. تهران: کتاب سیامک.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۱). *درآمدی بر ایدئولوژی*. احمد معصوم بیگی، تهران: آگه.
- تاجداری، علیرضا (۱۳۸۶). *خاستگاه‌های اجتماعی و گفتمان‌های نیروهای سیاسی در انقلاب‌های مشروطه و اسلامی*. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، استاد راهنما حسن سرایی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*. تهران: امیرکبیر.
- رضوانی، هما (۱۳۶۲). *لویح آقا شیخ فضل‌الله نوری*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، ش ۲.
- «سندی درباره حزب سوسیال دموکرات ایران (اجتماعیون عامیون)»، در *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی در ایران*، به کوشش خسرو شاکری، ج ۱، صص ۴۳-۳۷. بی‌نا.
- شاکری، خسرو (به کوشش) (۱۳۵۷). *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی در ایران*. ج ۱.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد*. تهران: اختران.
- شهابی، هوشنگ و لیز، خوان (۱۳۸۰). *نظام‌های سلطانی*. منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.

- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۰). *دولت و جامعه در ایران*. حسن افشار، تهران: مرکز. کسروی، احمد (۱۳۸۰). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: صدای معاصر.
- مارکس، کارل (۱۳۸۱). *صورت بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری*. خسرو پارسا، تهران: دیگر.
- مولانا، حمید (۱۳۵۸). *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- واترز، مالکوم (۱۳۸۱). *جامعه سنتی و جامعه مدرن*. منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
- ون‌دایک، تئون (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان مهاجر و نبوی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هال، استوارت (۱۳۸۶). *غرب و بقیه: گفتمان و قدرت*. محمود متحد، تهران: آگه.

